

باز خوانی یک سند تاریخی

گزارش بیانات جمعی از عالمان در مورد امام عصر ارواحنا فداه
در سال ۱۳۳۱ شمسی

به کوشش: محمد حسین شهری

چکیده: جمعی از عالمان بزرگ تهران در ماه شعبان ۱۳۷۱ هجری قمری (مطابق با ۱۳۳۱ شمسی) در مجلسی گرد هم آمدند و به سفارش مدیر مجلس - مرحوم حاج محمد علامه - هر کدام چند دقیقه در مورد امام مهدی علیه السلام سخن گفتند. این مقاله، گزارشی است از آن جلسه، که بر اساس نوار کاست موجود، تهیه و تدوین شده است. در این مقاله، سخنانی از عالمان تهران، حجج اسلام محمدتقی فلسفی، عباسعلی محقق خراسانی، میرزا علی محدث زاده، محمود حلبی خراسانی، آقا نجفی شهرستانی، سید محمد سلطان الواعظین شیرازی، علی اصغر اعتماد الواعظین، عباسعلی اسلامی شاهرودی و در پایان، قطعه شعری از گوینده‌ای ناشناس همراه با توضیحی از محمد علامه - به نقل از کتاب خاطرات او - آمده است.

کلیدواژه‌ها: امام مهدی علیه السلام / مهدویت در قرآن / دانشمندان شیعی امامی، قرن ۱۴ و ۱۵ هجری قمری / فلسفی، محمدتقی / محقق خراسانی، عباسعلی / محدث زاده، علی / حلبی خراسانی، محمود / شهرستانی، آقا نجفی / سلطان الواعظین شیرازی، سید محمد / اعتماد الواعظین، علی اصغر / اسلامی، عباسعلی / علامه (مداح)، محمد.

این گفتار بر اساس یک حلقه نوار کاست تهیه شده که مرحوم حاج محمد علامه مدّاح در سال ۱۳۳۱ شمسی، از گفتار چند تن از وعّاظ مشهور و بزرگ روزگار خود تهیه کرده، دانشمندانی که همه، قالب این تنِ خاکی را رها کرده و به دیار باقی شتافته‌اند. نشر این گفتار یادبودی از آن عالمان خادم دین و آیین است که نسل جدید، از برخی فقط نام و نشانی شنیده است. و در مورد برخی دیگر - بدان روکه آثار مکتوب ندارند یا منتشر نشده - اکنون حتّی نامی از آنان، در میان نیست. مرحوم حاج محمد علامه‌ی مدّاح در مورد این مجلس می‌نویسد:

سال ۱۳۳۱ شمسی، شب ۱۲ شعبان المعظم بود و عده‌ای از وعّاظ محترم تهران، در منزل ما جمع بودند. مرحوم آقای فلسفی، مرحوم آقای حلبی، مرحوم حاج آقا نجفی شهرستانی، مرحوم حاج سلطان الواعظین شیرازی، مرحوم حاج محقق خراسانی، مرحوم حاج میرزا علی اصغر اعتماد الواعظین، مرحوم حاج شیخ عباسعلی اسلامی، مرحوم حاج میرزا علی محدّث‌زاده، فرزند مرحوم مغفور حاج شیخ عباس قمی، مرحوم حاج شیخ هادی محقق، مرحوم حاج آقا صمدی اصفهانی و چند نفر دیگر بودند و درباره‌ی تفسیر این آیه‌ی شریفه: وَ تُرِيدُ أَنْ تُؤْمِنَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجَعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ.^۱ بحث می‌کردند. آقای فلسفی فرمودند که هر کدام درباره‌ی آیه، پنج دقیقه صحبت کنند. ضبط صوت در این دایره، بین افراد می‌گشت و سخنان آن‌ها را ضبط می‌کرد. (اگر بگردم، شاید این نوار را - که بسیار ارزنده است - در کتاب‌خانه‌ی منزلم بیابم.) هر کدام از دوستان با فرصت کمی که داشتند و با تبخّر خاصّ خودشان، موضوع را بررسی و درباره‌ی آن صحبت کردند.^۲

با تشکر از جناب حجّة الاسلام سیّد محمدحسین سبط که اصل این سند را در اختیار ما قرار دادند، یادآور می‌شود که اصل نوار، از ابتدا افتادگی دارد. نیز، با وجود کوششی که برای شناخت گویندگان بزرگوار - بر اساس صدای آن‌ها - به عمل

۱. قصص (۲۸) / ۶.

۲. علامه، محمد، خاطرات شصت سال خدمتگزاری در آستان اهل بیت (علیهم‌السلام) تهران: آفاق: ۱۳۸۱، ص ۹۷.

آمد، آخرین گوینده شناخته نشد، که امید است این کاستی‌ها در آینده جبران شود.

حجّت الاسلام محمدتقی فلسفی

... ولیّ الله پرچم اسلام را به اهتزاز می‌آورد و کلمه‌ی مقدّس حق را در جهان فرمانروا می‌نماید. چندی قبل چند شعری تقدیم امام عصر^{علیه السلام} کرده بودم که در این جا به یادگار می‌خوانم. امید است مقبول پیشگاه مقدّس آن جناب گردد.

ماه شعبان به جهان محشر موعود نمود	تا ز خود حجّت ثانی عشر آورده برون
کوثر و جنّت و تسنیم و درخت طوبی	ز لب و روی و قد این پسر آورده برون
جاء ربّك که بُدی وعده‌ی روز عرفات	بین خدا را ز جبین بشر آورده برون
نقش جاء الحق، بر شهپر بازوش نوشت	یعنی از حق به جهان بال و پر آورده برون
ای شه کون و مکان، آتش هجران رخت	قلب، خون کرد و ز راه بصر آورده برون
کی ز جبریل رسد مژده بر منتظران	کایزد از پرده شه منتظر آورده برون
فلسفی معذرت از هدیه‌ی خود می‌طلبد	طبعش از مکتب عشقی هنر آورده برون

و السّلام عليك يا وليّ الله و رحمة الله و بركاته

حجّت الاسلام عباسعلی محقق خراسانی

بسم الله الرّحمان الرّحيم

و نُريد أن نمنّ على الَّذِينَ اسْتَضعفوا في الأَرْضِ و نجعلهم أُمَّةً و نجعلهم الوارثين.
البته تنزیل این آیه‌ی کریمه از لحاظ آقایان محترم و عاظم، مکرر گذشته است که موضوع موسی بن عمران است و بشارت یوسف به آمدن موسی بن عمران و نجات بنی اسرائیل از دست قبطی‌ها و فرعون‌هاست؛ و لکن آیه‌ای ظاهراً در قرآن مجید تناسبش از این آیه‌ی کریمه نسبت به حضرت بقیه الله فی الأرضین امام عصر [بیشتر] نیست. و لذا در شب نیمه‌ی شعبان، اوّل اذان صبح و فجر صادق که دو فجر حقیقتاً با هم طلوع کرده است: فجر اوّل، فجر ولیّ عصر و وجود او از رحم طاهره‌ی نرجس خاتون مقارن با فجر ظاهر طلوع کرده. حضرت عسکری که آن پسر را به حضورش خواست، فرمود: بخوان. اوّلین کلمه‌ای که بعد از استعاذه فرمود همین آیه‌ی کریمه را خواند: أَعُوذُ بِاللّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، و نريد أن نمنّ على الَّذِينَ

استضعفوا في الأرض. می خواهد به تمام مردم دنیا بفهماند که از همه ی وسایل مایوس باشید و کاملاً منتظر آمدن من باشید... این امت منم و نجات دهنده ی همه ی شما منم. خدایا به همه ی ما توفیق انتظار مرحمت کن که: افضل العبادۃ انتظار الفرج.

باز آی، ای همای همایون که مرغ دل

پر می زند به آرزوی آشیان تو

در صورت بدیع تو چندین معانی است

یا رب چه صورتی که ندانم بیان تو

ای باغبان تو را چه شود گر بیاورد

باد صبا نسیمی از طرف بوستان تو

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حجّت الاسلام میرزا علی محدث زاده

بسم الله الرحمن الرحيم

لا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، أعوذ بالله من الشيطان الرجيم و نريد أن نمّن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم أئمة.

همان طوری که اساتید محترم فرمودند این آیه ی شریفه اشاره است به حضرت موسی بن عمران که به جناب یوسف بشارت می دهد به ظهور جناب موسی بن عمران سلام الله علیه همان طوری که بنی اسرائیل در انتظار موسی بودند و روزها را می گذراندند با کمال عسرت و سختی چون تحت فشار و مزیقه فرعون قرار گرفته بودند، به انتظار یک نفر مصلح و یک نفر مردی [بودند] که بتواند دفع مهمّات از آنها کند و گرفتاری ها را از بین ببرد. سالیان دراز در انتظار موسی سلام الله علیه بودند. و همین طور در عصر حاضر هم باید جمعیت مسلمین در اثر فشار و مزیقه و بدبختی در انتظار یک نفر مصلح باشند که البته خود پیغمبر و خاندان عصمت و طهارت به شیعیانشان مکرّر در مکرّر بشارت داده اند که اگر از عمر دنیا یک روز باقی مانده باشد، حضرت بقیّة الله خواهد آمد و تمام گرفتاری ها و ناراحتی های جمعیت مسلمین و مؤمنین را برطرف خواهد فرمود. و ما البته شب و

روز را در انتظار آن حضرت بوده و هستیم و این خود عبادتی است، همان طوری که گفته شده افضل عبادت و افضل عبادات انتظار فرج است. در آن دعای شریف ندبه هم در روزهای جمعه مؤمنین موقعی که می خوانند، به همین جمله و مطلب اشاره می شود: این معزّ الأولیاء و مدلّ الأعداء؟ آن کسی که باید به دوستان خدا کمک کند و دشمنان خدا را از بین ببرد، یگانه کسی که در انتظار او هستند، حضرت مهدی صاحب الزّمان است. مرحوم شیخ بهایی می گوید:

هر در که زدم صاحب آن خانه تویی تو هر جا که شدم پرتو کاشانه تویی تو
در کعبه و بتخانه که جانانه، تویی تو مقصود من از کعبه و بتخانه، تویی تو
مقصود تویی، کعبه و بتخانه بهانه

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حجّت الاسلام محمود حلبی خراسانی

بسم الله الرحمن الرحيم

فانتظروا إني معكم من المنتظرين

موضوع انتظار فرج که عامّه و خاصّه در روایات نقل کرده اند، از اموری است که نه تنها از جنبه‌ی روحانی مفید است، بلکه از جنبه‌ی مادّی فایده‌ی بیشتری دارد؛ زیرا که از نظر روان‌شناسی همه می دانیم انسان در موقعی که قطع امیدش از جمیع عوامل و اسباب مادّی و روحی می شود، در این موقع، اگر ابتلا به بلیه‌ای پیدا کرد یأس از فرج کشنده‌ی او خواهد بود و اگرچه آن بلاکشنده نباشد. مانند بیماری که چون در شدت بیماری واقع گردد و به او بگویند که طیب و دکتر به شما دوایی نمی تواند بدهد و شما را مایوس از علاج می کند. طیب و دکتر اگر بیمار را مایوس کرد و بیمار امیدش از بهبودی قطع شد، خود این قطع امید بر او فشار روحی وارد می کند و او را می کشد، و اگرچه آن بیماری کشنده نباشد؛ برخلاف این که اگر امیدواری داشته باشد و روزنه‌ی امیدی یا از عوامل مادّی و یا به اسباب غیبی [برسد]. مسلمانانی که امیدوارند به عوامل غیبیه، در بلا یا و شداید، تحمّل و طاقتشان بیشتر است از طبیعیون و مادیون که به جز وسایل مادّی و عوامل طبیعی قائل و معترف به عامل و وسیله‌ی دیگری نیستند. و این خود یک نعمت بزرگی

است از برای روحانیت، ولو این که به فرض محال، روحانیت واقعیته نداشته باشد. روی این فایده و عائده برای ما دستور انتظار فرج داده‌اند و ما را امیدوار کرده‌اند به یک بزرگواری که در شکنجه‌های سخت ممکن است او به داد و فریاد ما برسد و در ابتلائات عمومی بالاخره او اصلاح خواهد کرد. لهذا در جریان قضایای ابتلای عمومی، تنها چیزی [است] که شیعه را نگه‌داری می‌کند و بلکه عامّه را، زیرا که عامّه هم انتظار مهدی و مصلح کل را دارند. گو این که با ما فرق داشته باشند در موضوع مهدی که آیا از ولد حسین است یا از امام حسن، آیا مولود و موجود است و یا در آخر الزمان موجود خواهد شد؛ ولی در اصل مهدی و این که او مصلح است و این که او دفع امور است و کاشف هموم است، آن‌ها هم با ما هم عقیده هستند. لهذا می‌توان گفت: امت اسلام از عامّه و خاصّه برای همین زمینه‌ای که صاحب اسلام به دست آن‌ها داده است در شداید و بلاهای راحت‌تر و آسوده‌تر از دیگران هستند. خدا را قسم می‌دهم به ذات پاکش و به اسم اعظمش که به زودی همه‌ی جهانیان یعنی مسلمانان و بالأخص شیعه را از این انتظار به در آورد و شب هجران را به صبح وصال آن بزرگوار به پایان برساند. چون مجلس، مجلس بزرگواری است، حضّار اغلباً و یاکلاً از نوکران امام عصر ارواحناده می‌باشند و همه انتظار فرج آن بزرگوار را دارند و در تعظیم و تجلیل آن حضرت کوشا می‌باشند، من هم مقتضی می‌دانم که از لسان همه‌ی برادران و آقایانی که تشریف‌فرما هستند، چند شعر خطاب به امام عصر ارواحناده بخوانم و عرایضم را خاتمه دهم.

ای چرخ کهن به طلعت نو	از بوی تو، خور گرفته پرتو
از حزم تو شد زمین گران بار	وز عزم تو شد فلک سبک‌رو
بندی ز کمند تو مجرّه است	نعلی ز سمند تو مه نو
ای بنده‌ی قصر توست قیصر	وی چاکر درگه تو خسرو
چرخ از لب کام تو زند بال	گامی بزن و به بال او شو
این دشنه‌ی تیز ماه برگیر	وین خوشه‌ی نورسیده بَدرو

یابن العسکری، همه غلامان تواند و به این شعر زبان حالشان مترنم است.
آقا جان،

جان بر لب و دل به جان رسیده

وین کارد به استخوان رسیده

صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْإِطْهَرِينَ وَرَحْمَةَ اللهِ وَبَرَكَاتِهِ

حجّت الاسلام آقا نجفی شهرستانی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

الطَّاهِرِينَ الْمُعْصومِينَ.

در محفلی که اساتید سخن هستند نوبت به امثال ما نخواهد رسید؛ ولی این فیض و این نطق بود از بزرگان که این ناچیز را هم شرکت دادند.

و نريد أن نمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضعَفُوا. خدای تبارک و تعالی مَنّت بزرگ در عالم تکوین گذاشته است. این اراده، اراده‌ی تکوینی است و این ایمان و اعتقاد به این که هر وقت در حالت ضعف و ناتوانی افتادید، قدرت و قوه‌ای هست که شما را از این ضعف و ناتوانی نجات بدهد، یک اتکای بزرگ و یک اتکال عظیمی برای مردم در هر طبقه و هر دسته‌ای که باشند. با کمال جرئت می‌توان گفت به همان ملاکی که ایمان به حق نگهدار مردم است، ایمان به ولیّ مطلق نگهدار مردم خواهد بود. اعتقاد به خدای تبارک و تعالی سبب می‌شود که مردم در گرفتاری‌ها و نکبات و ابتلائات، خود را نیازند و نگهدار قلب و حالات خود باشند و نفس را از اختیار به در نبرند و به همان ملاک برای تمام بشر باید یک متکای اخری و یک ملجأ بیشتری بعد از مقام ذات اقدس حق باشد که آن ملجأ اسباب آرامش قلب و نگهداری آن‌ها بشود. اشاره فرمودند که فِرَقِ مُسْلِمِينَ معتقدند به مهدی موعود. البتّه همه می‌دانید که همه‌ی ملل عالم منتظرند منجی را ولی در مقام تشخیص و صغری اشتباه کرده‌اند. و شکر می‌کنیم خدا را که ما آن دسته‌ای هستیم که هم به اصل کلیّ معتقدیم و هم در صغری اشتباه نکرده‌ایم. و مهدی موعود ما روی این حساب، آن کسی است که پیغمبر اکرم او را معرفّی کرده است و علیّ ع در روایات اشاره فرموده است و ائمه‌ی هدی یکی بعد از دیگری اشاره کردند و تصریح کردند، به حدّی که می‌توان گفت که اخبار در این باب به صورت متواتر رسیده و مجموعاً

تواتر معنوی دارد؛ از این که مهدی موعود خواهد آمد و به حدی بود به این که تعیین مهدی فرمودند و انتظار فرج را ائمه‌ی هدی برای خودشان از عبادات شمردند. و اگر برای امام، این انتظار از عبادات بود برای ما بیشتر مورد استفاده خواهد بود و این انتظار برای ما یک نمونه و یک وسیله‌ای است که به خواست خدای تبارک و تعالی ناجی ما باشد و در آخر الزمان امیدواریم که ما از انصار و اعوان او قرار بگیریم و هم‌چنان که در آن دعای مأثور وارد در دعای عهد به این که خدایا اگر بنا شد ما بمیریم قبل از ظهور مهدی، خدایا ما را از قبر به در آور و ما را قدرت این بده که در جوار او و در تحت ولای او نصرتش کنیم.

از خدای تبارک و تعالی همین معنا را می‌طلبیم و امیدواریم همه‌ی ما از انصار و اعوان حضرت ولی عصر باشیم و در تحت لوای مقدّس او عرض ارادت کنیم.

و السّلام علیکم و رحمة الله و بركاته

حجّت الاسلام سیّد محمد سلطان الواعظین شیرازی

بسم الله الرحمن الرحيم

و صلّى الله على محمد و آله الطّيبين الطّاهرين

به مصداق آیه‌ی شریفه‌ی ﴿و ما خلقت الجنّ و الإنس إلاّ ليعبدون﴾ غایت خلقت بشر، عبادت و عبودیت است. و عبادت بر دو قسم است: عبادات واجبه و عبادات مستحبّه. بدیهی است آن‌چه از مضامین اخبار متکاتره معلوم و مستفاد می‌گردد، فواید و نتایج عبادات مستحبّه برای بشر بیشتر از عبادات واجب است. برای این که عبادات مستحبّه از روی عشق و علاقه است. لهذا هر عملی که از روی عشق و علاقه باشد و طمع و ترس و خوف در او راه نداشته باشد، مسلماً اثر و نتیجه‌اش بیشتر می‌گردد. فلهدا یکی از عبادات مستحبّه در دوره‌ی آخر الزّمان که مضامین اخبار متکاتره بر آن حکم می‌کند، انتظار فرج ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌باشد که حتّی ائمه‌ی هدی صلوات الله علیهم اجمعین قبل از میلاد با سعادت آن حضرت در ازمنه‌ی خود این انتظار را می‌کشیدند و گریه‌ها می‌کردند و منتظر بودند. و از برای ما هم دستور داده شده است که در دوره‌ی آخر الزّمان هیچ

عبادت‌ی برای شیعه پرثواب‌تر و پرفایده‌تر از انتظار فرج آن وجود مقدّس نمی‌باشد. این نکته باید مورد عنایت و توجّه ما قرار بگیرد که این انتظار فرج و دعا کردن برای ظهور آن حضرت که خودش به پسر مهزیار می‌فرماید: «پسر مهزیار! به شیعیان من سلام من را برسان و بگو برای ظهور من دعا کنند که خدا فرج من را نزدیک کند.» و البتّه مجامع شیعیان در هر جا منعقد است علامت شیعه این است که بایستی در مقام دعا برآیند و از خدا بخواهند که خدا آن وجود مقدّس را از پس پرده‌ی غیب ظاهر کند؛ زیرا تا آن وجود مقدّس نیاید شکستگی‌ها اصلاح نخواهد شد. ولی آن نکته‌ای که باید ماکاملاً به آن توجّه کنیم، عبارت از این است که انتظار فرج کشیدن مقدّماتی دارد؛ به این معنا که آدمی وقتی می‌خواهد انتظار فرج بکشد، مانند انتظار یک میهمانی عزیزالوجود است. وقتی انسان، انتظار آمدن میهمان عزیزالوجود را دارد، کاملاً خانه را پاک و پاکیزه و وسایل آمدن را برای میهمان عزیز مهیا می‌کند. آن‌گاه در مقام انتظار برمی‌آید. ما هم که می‌خواهیم انتظار فرج بکشیم، شرط اوّل این است که بایستی خانه‌ی دل را کاملاً پاک کنیم از ارجاس و کثافات و اخلاق رذیله و صفات ناپسندیده. وقتی خانه‌ی دل را پاک کردیم، آماده و مهیای ظهور آن وجود مقدّس می‌گردیم. و الاّ اگر کسی آلوده باشد و سراپا غرق اخلاق رذیله و صفات ناپسندیده باشد، اگر این آدم در مقام دعا برآید که خدایا فرج ولی عصر را نزدیک کن، این نفرین است [که] درباره‌ی خودش دارد می‌کند. زیرا که ولی عصر امام زمان ذخیره‌ای است برای سعادت‌مندی اهل ایمان و بالأخره موجب بدبختی و بیچارگی اهل نفاق است چنان‌که در قرآن می‌فرماید: ﴿بَقِيَّةَ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾. یعنی اگر مردم اهل ایمان هستند، از وجود مقدّس آن حضرت ابداً باک ندارند؛ زیرا که ولی عصر امام زمان برای آن نمی‌آید که مؤمنین را بیازارد؛ بلکه می‌آید انتقام بگیرد از آن کسانی که اهل ظلم و جور هستند، آن کسانی که اخلاق رذیله و صفات ناپسندیده‌ی ثنوی آن‌ها شده است. پس ما در شرط اوّل باید خودمان را پاک و خانه‌ی دل را کاملاً از هر رجس و کثافتی پاک کنیم، آن وقت انتظار بریم که امیدواریم که خداوند این عیون دیده‌ی ما را به آن طلعت زیباروشن و منورگرداند که نمیریم و نمیرید و آقایان همه زنده بمانیم ان شاءالله که در رکاب آن وجود مقدّس آماده‌ی جان‌بازی گردیم و ان شاءالله زنده باشیم و به همین زودی بشنویم ندای



جبریل را که فریاد می‌زند «ألا یا أهل العالم جاء الحقّ و زهق الباطل إن کان الباطل کان زهوقاً.»

هله عاشقان بشارت که نماند این جدایی برسد زمان دولت، بکند خدا خدایی و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حجّت الاسلام علی اصغر اعتماد الواعظین

الحمد لله ربّ العالمین و السّلام علی خیر خلقه و أشرف بریّته، حبیبنا و طیب نفوسنا و شفیع ذنوبنا أبی القاسم محمد صلی الله علیه و آله الطّیبین الطّاهرین و رزقنا الله شفاعتهم یوم القيامة آمین یارب العالمین. قال الحکیم فی کتابه العظیم: بسم الله الرّحمان الرّحیم، ذلک الكتاب لا ریب فیہ هدی للمتّقیین الذّین یؤمنون بالغیب و یمونون الصّلاة و یمارزونهم ینفقون.

به همین بیان و منطقی که آقایان بزرگان و رجال خطابه و اساتید سخن [گفتند]، به مناسبت ولادت موفور السعادة ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه در پانزدهم ماه شعبان مجلس ضیافتی تشکیل شد و در اطراف ولادت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه به عنوان یادگار، از آقایان رفقا و اساتید چندین جمله باقی بماند. این آیهی کریمه‌ای را که قرائت کردم، در معنای غیب، بعضی از علمای علم تفسیر فرمودند: مقصود مؤمنین به امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. معنای غیب آن امامی است که از نظر مردم غایب است. ائمه‌ی هدی برای ما بیان کرده‌اند، هر یک به نوبه‌ی خود از آمدن این یگانه مرد آسمانی و این رجل روحانی صحبت به میان آورده‌اند **إنّ فی قائمنا سنن من سنن الأنبیاء**. برای دوازدهمی ما خاندان طهارت، مانند انبیای گذشته شباهت‌ها و سنّت‌هایی هست؛ مانند موسی می‌ماند از نظر خفای ولادت؛ مانند ایوب است از نظر صبر برابر حوادث و بلاهای جهان طبیعت؛ مانند صالح پیغمبر است [که] سال‌های دراز از میان مردم غایب بود و پنهان، وقتی صالح آمد مردم او را نشناختند؛ مانند یوسف پیغمبر است؛ حضرت یوسف، میان برادران بود؛ برادرها یوسف را می‌دیدند ولی او را نمی‌شناختند و حضرت یوسف آن‌ها را کاملاً می‌شناخت. امام زمان **علیه السلام** وقتی می‌آید؛ غالب مردم می‌گویند ما این آقا را مکرّر در مکرّر در مجالس و محافل دیده بودیم؛ ولی او را نمی‌شناختیم. امام زمان تمام مردم را می‌شناسد.

یک چشم زدن غافل از آن شاه، نباشید ترسم که نگاهی کند آگاه نباشید
بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الأرض و السماء. پروردگارا! به آبروی ولی
عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه قَسَمَت می دهیم، الها دیده های ما را به جمال این
مرد آسمانی و این مصلح کل روشن کن.

گر به تو افتدم نظر چهره به چهره روبه رو
شرح دهم غم تو را نکته به نکته مو به مو
می رود از فراق تو خون دل از دو دیده ام
دجله به دجله یم به یم چشمه به چشمه جو به جو
از پی دیدن رُخْت هم چو صبا فتاده ام
خانه به خانه در به در کوچه به کوچه کو به کو
و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

حجّت الاسلام عبّاسعلی اسلامی شاهرودی

أعوذ بالله من الشّیطان الرجیم. بسم الله الرّحمان الرّحیم. وعد الله الذّین آمنوا منکم
و عملوا الصّالحات لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الذّین من قبلهم و لیکننّ لهم دینهم
الذّی ارتضی لهم و لیبذلنّهم من بعد خوفهم أمناً یعبدوننی لا یشرکون بی شیئاً.
خدا در این آیه ی وافی هدایت، چهار وعده ی صریح به کسانی که ایمان به
خدا آورده اند و طبق ایمانشان عمل می کنند، داده است و در وحله ی اولی چون
مضامین آیه ی قرآن اطلاق نسبت به تمام اقوام و ملل و خانواده ها و افراد دارد، هر
فردی و هر جمعی که متّصف به صفت ایمان و اعمال صالحه شود، بهره ای از این
چهار نوید پروردگار خواهد برد: تمکّن در زمین یعنی از بین رفتن دشمنان آن فرد یا
آن جمعیت یا آن مملکت و جانشین شدن او و باقی ماندن او. در وحله ی ثانی
تمکّن شدن از ادای وظایف دینی اش بدون بیم و ترس. در مرحله ی سوم مبدّل
شدن ناامنی و خوف و بیمش به امن و امانت و راحتی و آسودگی بال. و در مرحله ی
چهارم توفیق پیدا کردن که اعمال خالص بدون شرک به جا آورد. امّا مورد
خصوصی اش که معنای کلی او واقع شود در آخر الزّمان است و تاکنون هم چنین

وعده‌ای عملی نشده است. از ابتدای بعثت پیغمبر اکرم این چهار وعده‌ای که خدا به مسلمین داده است، هنوز کاملاً عملی نشده است و شاهدش هم همین است که ما هنوز دشمنانی در اطراف جهان داریم که هر یک به نوبه‌ای مسلط بر مسلمانان اند و مسلمانان در ضعف و ناتوانی به سر می‌برند و دیگر دشمنانی برای عدم اجرای قوانین اسلام موجود اند که به واسطه‌ی موانع معینه مسلمین نمی‌توانند تمام احکام اسلام را عملی کنند. و هم‌چنین دشمنان و دژخیمانی که در اطراف و اکناف مسلمین اند و مسلمین در منتهی درجه‌ی خوف و بیم در دست آن‌ها به سر می‌برند هنوز چنان امنیتی که خدا وعده داده است برای آن‌ها حاصل نشده است و هم‌چنین جهان پر از بت پرست است.

شش صد میلیون جمعیت بودایی که فقط بت می‌پرستند و سایر ادیان دیگر نیز بهره‌ای از بت پرستی دارند و مسلمان‌ها و اهل توحید در اقلیت اند. پس بنابراین که وعده‌ی **لَمْ يَخْلَفِ اللَّهُ** وعده‌ی خدا وعده‌ای که داده، خلف نمی‌کند. باید چنین وقت و زمانی بر مسلمین بیاید که این چهار وعده‌ی پروردگار به نحوه‌ی کلی نسبت به عامه‌ی مردم حاصل گردد. پس کسانی که مخالف با مهدی موعود و امام زمان اند و در عین حال مقرر و معترف به قرآن اند، ناچارند بگویند یا خدا خلف وعده می‌کند یا این آیه در قرآن نیست یا این مطلب برای مسلمین حاصل شده است یا چنین روزی خواهد آمد که خدا به وعده‌های خود عمل کند. و آن روزی که خدا وعده‌های خود را عمل کند، همان روزی است که فرمودند **إمام زمان بیاید میلاً الأرض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً و جوراً**. چنین روزی را باید مسلمین و شیعیان انتظار داشته باشند. حالا می‌خواهد زنده باشند در رکاب او جنگ کنند یا در عالم دیگری باز ناظر اعمال او خواهند بود، چون ما عقیده داریم بعد از مرگ زنده‌ایم و تمام اسرار کون را بهتر از زمان حیاتمان می‌فهمیم. پس بنابراین ان شاء الله امیدواریم که خدا فرجش را نزدیک کند و ما و جمیع دنیا بهره‌مند از این چهار وعده‌ی سریع قرآن بشویم و چشم ما به جمالش روشن گردد.

و السّلام علیکم و رحمة الله و برکاته

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به افتخار تشرف در محضر مقدس استادزاده‌ی مکرم و مخدوم معظم آقای محدث‌زاده، بعد از استفاده از تراوشات علمی و ذوقیه‌های روحی بزرگان و استوانه‌های دانش و خطابه، ما هم مأمور شدیم که جزو این عدد اظهار حیاتی کرده باشیم. چنین متناسب دیدم که مخمسی را که سال‌های قبل به مناسبت ولادت با سعادت ولی عصر سلام‌الله علیه و علی آبائه المعصومین سروده‌ام تقدیم نمایم.

صباگر بگذری بر سایه‌ی گلنار فام ما
ببر از راه احسان نزد آن مهوش پیام ما
به آن خورشید طلعت گو به پایان رفت شام ما
بیا در بزم و پر کن از می اقبال جام ما
جهان بر کام ما شد کن مه عشرت به کام ما

زنی تا کی مخالف مطبری شهباز را دم زن
همایون طالع ما را گهی زیر و گهی بم زن
حجازی می‌رسد اکنون عراق و ترک بر هم زن
به دشت حاجیانی بانگ جاء الحق به عالم زن
که گردون بزد اکنون سگه‌ی شاهی به نام ما

نما عشرت که ما را تخت عزت برقرار آمد
شب دیجور دین را صبح صادق رهسپار آمد
به سوی مشعل دین زیت لم تمسسه نار آمد
تمام دین، کمال شرع ختم هشت و چهار آمد
ز برج نرجسی ظاهر شد آن قدر تمام ما

چو طی بنمود گردون چهارده روز از مه شعبان
برون شد چهارده ماهی که شد خورشید از او حیران

عجب، ماهی کز او صدقاً و عدلاً تمّت قرآن
ولی افسوس کاین مه گشته پشت ابرها پنهان

فغان و درد کن در پرده غایب شد امام ما

مه برج ولایت حجّت آخر زمانی تو
به تنها صاحب اوصاف خوبان جهانی تو
امام انس و جانی وارث پیغمبرانی تو
شها تا کی به پشت پرده‌ی غیبت نهانی تو

بیا از پرده بیرون کش ز دشمن انتقام ما

شغالان دور ما بگرفته ای ضرغام دین مهدی
ز تریاک جفا مردیم آخر ده به ما شهیدی
ز کف شد طفل دین ای دایه آور از وفا مهدی
به ره گم‌گشتگان راهی نما ای هادی مهدی

بیا از پرده بیرون کش ز دشمن انتقام ما

البته این افتخاری بود که در این روز و در این موقعیت نصیب بنده گردید.
امیدوارم خدای متعال چشم همه را به جمال مقدّسش روشن بفرماید و همه را و
صاحب این خانه را جزو خدمت‌گزاران پاک‌دامن این آستانه محسوب بفرماید.
و السلام علیکم و رحمة الله